

بررسی فقهی پدیدهٔ غنا، ماهیت و حکم آن

علامه دکتر شیخ عبدالهادی فضلی

آیت الله شیخ محمد هادی معرفت

ترجمه: مجتبی الهی خراسانی

تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۸	علامه دکتر شیخ عبدالهادی الفضلی
۱۱	آیت الله شیخ محمدهادی معرفت

بخش اول: کاوشی فقهی پیرامون حقیقت و حکم پدیده غنا

علامه دکتر شیخ عبدالهادی الفضلی

۱۷	مقدمه
۱۸	غنا در اندیشه و آثار فقها
۲۲	پیشینه غنا
۳۵	حقیقت غنا
۳۶	تعریف‌های لغوی
۴۷	تعریف‌های فقهی
۶۳	حکم غنا
۶۴	روایات تفسیری
۷۴	روایات تجارت زنان خواننده
۷۷	روایات پول بهای آوازه‌خوان
۷۹	روایات اماکن غنا

۷۹.....	روایات مجالس طرب
۸۲.....	دلیل بزرگان هم دوره
۹۵.....	نظر شیخ انصاری
۹۹.....	مستثنای غنا
۱۰۰.....	حدا
۱۰۳.....	غنا در عروسی‌ها
۱۰۶.....	قرائت قرآن
۱۰۸.....	مراثی حسینی

بخش دوم: کاوشی درباره غنا

آیت‌الله شیخ محمد هادی معرفت

۱۱۵.....	مقدمه
۱۱۷.....	تعریف غنا
۱۲۳.....	نگاهی به احادیث
۱۲۶.....	وجه دلالت و برداشت
۱۲۷.....	مناقشه در برداشت
۱۳۰.....	بررسی دیدگاه خاص شیخ
۱۳۵.....	نقد اول
۱۳۵.....	نقد دوم
۱۳۹.....	نقد سوم
۱۴۰.....	نقد چهارم
۱۴۰.....	الف - آنچه با تعبیر «تحسین صوت» آمده است
۱۴۱.....	ب - آنچه صریحاً به تعبیر ترجیع آمده است
۱۴۳.....	ج - آنچه با تعبیر «تغنی» به قرآن رسیده است
	دخالت ماده در تحقق غنا

مقدمه مترجم

هنر، همپای علم، دین و تکنولوژی، از ارکان تشکیل دهنده فرهنگ هر جامعه محسوب می شود، و نمایش دهنده علایق، احساسات و باورهای آن است. از این رو سابقه تاریخی هنر، به دیرینگی تمدن بشری است. از طرف دیگر فقه دانشی است که استنباط و تبیین برنامه های عملی اسلام برای زندگی بشر را جهت تضمین رشد و شکوفایی انسان ها بر عهده دارد، و از این رو نمی تواند پدیده های رایج زندگی بشری را نادیده انگارد و از کنار عناصر اساسی فرهنگ جامعه همانند هنر بگذرد.

به علاوه در جامعه ای دینی مانند ایران نیز که مردم به دنبال شیوه زندگی (Life Style) بر اساس دین هستند، و حکومت اسلامی آن، برای برنامه ریزی و اداره مسائل اساسی جامعه نیازمند دانستن موضع دین درباره آنهاست، مسئولیت فقه در قبال مقولات مختلف هنری - از جمله آواز - فزون تر می گردد.

مهم ترین شاخص فقه اسلامی برای حکم به فساد و نادرستی برخی از انواع آواز، تحریم غناست. از این رو کنکاش در این مسئله، می تواند عمده ابهامات موجود برای تبیین مرزهای حلال و حرام در غنا را روشن سازد. اثر حاضر، ترجمه دو مقاله ارزشمند است؛ مقاله ای بلند در بررسی جامع

مسئله غنا با توجه به ادله و اقوال مختلف، و مقاله‌ای در نقد یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌های فقهی در این باب، که آن‌ها را دو تن از کارشناسان و صاحب‌نظران فقهی نگاشته‌اند که در این جا به معرفی این دو شخصیت گران‌قدر می‌پردازیم.

علامه دکتر شیخ عبدالهادی الفضلی

علامه دکتر شیخ عبدالهادی الفضلی، یکی از چهره‌های علمی سرشناس در روزگار ماست. او در شب جمعه دهم رمضان ۱۳۵۴ ق. روستای ضبحة العرب واقع در شهر بصره پا به دنیا نهاد. نسب وی با بیست واسطه به فضل بن ربیع می‌رسد. جدّ وی عمران بن فضل پس از کوچ به احساء، مذهب تشیع را اختیار کرد. خاندان فضلی دارای جایگاه والایی در منطقه بوده، عالمان فرهیخته‌ای را پرورانده است. پدر استاد فضلی، میرزا محسن، نیز از جمله این عالمان وارسته بوده است.

ایشان پس از یادگیری قرآن کریم در مکتب‌خانه، به مدارس ابتدایی پانهاد و همزمان به فراگیری مقدمات علوم اسلامی پرداخت. از همان سال‌ها برتری وی بر همسالان و همگنان، و آینده درخشانش مشهود بود. مقدمات را نزد پدر و نیز شیخ جاسم بصری آموخت. در سال ۱۳۶۸ ق. در حالی که چهارده سال بیشتر نداشت، رهسپار نجف گردید و به تکمیل تحصیلات حوزوی خود پرداخت.

علامه فضلی در کنار دروس حوزوی، تحصیلات دانشگاهی را طی کرد و سال ۱۳۸۲ ق. مدرک لیسانس در رشته زبان عربی و علوم اسلامی را از دانشکده فقه نجف دریافت کرد.

علامه فضل‌ی در دروس تخصصی علوم اسلامی، به ویژه خارج فقه و اصول، از خرمن دانش و بینش محضر اساتید بزرگ حوزه سترگ نجف، خوشه‌ها چید و علاوه بر دانش اندوزی از محضرشان، روش‌های علمی و آموزشی هر یک را نیز آموخت. این اخیر، به ویژه در سبک و سیاق کتب وی قابل مشاهده است. مهم‌ترین اساتید تخصصی ایشان عبارتند از:

استاد اندیشمند و مرجع فرزانه، آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم

استاد علامه و مرجع والا، آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی

استاد علامه و محقق ارجمند، آیت‌الله شیخ محمدرضا مظفر

اندیشمند علامه و نابغه شهید، آیت‌الله سید محمدباقر صدر

علامه نحری و محدث خبیر، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی

استاد محقق و دانشمند والا، آیت‌الله شیخ محمد طاهر آل راضی

محقق سترگ و استاد فرزانه، آیت‌الله سید محمدتقی حکیم.

وی در سال ۱۳۹۱ ق. پس از اخذ درجه فوق لیسانس ادبیات و زبان عربی از دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد، به دعوت دانشگاه ملک عبدالعزیز برای تدریس در آن دانشگاه، از نجف عازم جدّه گردید. دو سال بعد، از سوی آن دانشگاه، به دانشگاه قاهره عزیمت کرد و در سال ۱۳۹۶ ق. به اخذ درجه دکتری تخصصی زبان عربی از دانشکده ادبیات نایل آمد. در سال ۱۴۰۹ ق. به عنوان استاد و مشاور علمی در دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی (الجامعة العالمية للعلوم الإسلامية - لندن)، به آموزش علاقمندان علوم اسلامی به شیوه تطبیقی از کشورهای مختلف پرداخت. بخشی از تألیفات این استاد گرانقدر، با هدف تأمین متون درسی مناسب برای این دانشگاه، نگاشته شده است.

علامه فضل‌ی اکنون پس از بازنشستگی از تدریس در دانشگاه، در شهر

دمام - مرکز منطقه شرقی عربستان - زندگی می کند و مورد احترام و توجه اهل علم و فرهنگ آن دیار است. وی همچنان عضو هیأت امنای علمی الجامعة العالمية للعلوم الإسلامية و مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه تخصصی الفكر الجديد در انگلستان، و عضو بسیاری از مجامع علمی و مؤسسات اسلامی بین المللی است.

قلم پویا و توانای این اندیشور فرزانه، کتب و مقالات بسیاری را به رشته تحریر درآورده است، که خصوصیت مشترک همه آنها، زاویه دید بدیع و پردازش نوین مسائل است. به دلیل گستردگی این آثار، تنها به ذکر نام اهم کتب ایشان بسنده می کنیم:

۱. خلاصة علم الکلام
۲. خلاصة المنطق
۳. تهذیب البلاغه
۴. تاریخ الشریع الإسلامی
۵. مبادئ علم الفقه (سه جلد)
۶. الوسيط فی فهم النص الشرعی
۷. أصول علم الحدیث
۸. أصول علم الرجال
۹. أصول البحث
۱۰. أصول تحقیق التراث
۱۱. دروس فی أصول فقه الإمامیة (دو جلد)
۱۲. دروس فی فقه الإمامیة (دو جلد)

کتب ایشان که غالباً به انگیزه استفاده آمیخته است.

انسجام و جامعیت و بهره‌مند از اصالت. محتوا، طرح مسائل جدید، ترتیب و نظم مبتکرانه، و نظر داشت نیازهای آموزشی مخاطبان است. از این رو کتاب‌های تألیفی این اندیشمند خلاق، مورد استقبال گسترده حوزه‌ها و دانشگاه‌های علوم اسلامی در کشورهای مختلف قرار گرفته است، چندان که برخی از این کتاب‌ها از سه دهه پیش، همچنان به عنوان متن درسی در این مراکز تدریس می‌شود.

بخشی از مقالات علامه فضلی به دلیل اهمیت، به صورت کتاب نیز به چاپ رسیده است، که مقاله حاضر از این دست است. این کتاب از پروردگار متعال، دوام عمر و توفیق را برای مؤلف محترم خواستاریم.

آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت

استاد فرزانه، آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت، به سال ۱۳۰۹ ش. در کربلا دیده به جهان گشود. پدرش شیخ علی، فرزند میرزا محمد علی، از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی بود و پدرانش تا سه قرن، همگی از سلسله جلیل روحانیت بودند. شیخ علی در سال ۱۲۹۰ ش. به اتفاق والدین و دیگر اعصای خانواده، از سده اصفهان به کربلائی معلی مهاجرت کرد و در آنجا به عنوان خطیب و عالم، مورد احترام مردم کربلا قرار گرفت. ایشان پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب، مقدمات علوم اسلامی را نزد پدر و تنی چند از اساتید معروف آن زمان فرا گرفت. مبادی فلسفه و دوره‌های فقه و اصول را تا سطوح عالی در کربلا، از محضر پدر و نیز بزرگانی همچون: شیخ یوسف بیارجمندی خراسانی (از شاگردان مرحوم نائینی)، شیخ محمد کلباسی، شیخ محمدحسین مازندرانی، شیخ محمدرضا جرقویی

اصفهان (جامع معقول و منقول و شاگرد باواسطه شیخ هادی تهرانی) آموخت.

استاد معرفت به دنبال فوت پدر در سال ۱۳۴۰ ش.، به نجف مهاجرت کرد و از محضر بزرگان فقه و اصول، حضرات آیات: سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، سیدعلی فانی اصفهانی و در اواخر اقامت در نجف از امام خمینی بهره‌های فراوان جست. در ایام جوانی، وی به حلقه‌ای از فضیله مشهور کربلا (از جمله سید محمد شیرازی، سید عبدالرضا شهرستانی و...) پیوست که ماهنامه‌ای را به نام *أجوبة المسائل الدینیة راه‌اندازی کرده بودند*. این مجله، سالیان متمادی پاسخگوی سؤالات دینی مردم، به ویژه دانشجویان عراق بود. بعدها برخی از این پاسخ‌ها به صورت مستقل نیز چاپ و منتشر گردید. از جمله مقالات در این مجله که به زبان فارسی ترجمه گردیده، می‌توان به این‌ها اشاره کرد: حقوق زن در اسلام، ترجمه قرآن امکان و ضرورت، دو فرقه شیخیه: اسکویی و کریمخانی، اهمیت نماز و تأثیر آن در صیانت فردی و اجتماعی. در نجف اشرف با گروهی از فضیله جوان آن روز، جلسات هفتگی تشکیل داده، پیرامون موضوعات مختلف به بحث و بررسی پرداختند. این فضیله عبارت بودند از: سید عبدالعزیز طباطبائی، سید جمال‌الدین خوئی (فرزند مرحوم آیت‌الله خوئی)، شیخ محمدرضا جعفری اشکوری، دکتر شیخ محمد صادقی، و دکتر شیخ عباسعلی عمید زنجانی در سال‌های اخیر. در همین اوان بود که استاد معرفت، پژوهش‌های خود را در رشته علوم قرآنی پی‌ریزی کرد.

در سال ۱۳۵۱ ش. در پی اخراج ایرانی‌تباران عراق از این کشور، وی به

اجبار رژیم بعث عراق، به اتفاق خانواده رهسپار ایران و ساکن قم گردید و هم‌اکنون نیز در این شهر اقامت دارد.

فعالیت‌های ایشان در حوزه علمی قم پیرامون علوم قرآنی، از مهم‌ترین بسترهای رشد و توسعه آموزش‌ها و پژوهش‌های کنونی علوم قرآنی در ایران، به ویژه حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود و اینک آثار ایشان از منابع گریزناپذیر مطالعات قرآنی به شمار می‌آید. استاد معرفت، شاگردان فاضل زیادی را به ویژه در مباحث تفسیر و علوم قرآن تربیت کرده است که بسیاری از آنان هم‌اکنون از مدرسان و پژوهشگران ممتاز حوزه و دانشگاه محسوب می‌شوند.

تالیفات آیت‌الله معرفت، از دو ویژگی بهره‌مند هستند: نخست این‌که در پاسخ به یک نیاز واقعی و بالفعل علمی و اجتماعی، و با تأکید بر اصالت محوری و ژرف‌نگری معارف اسلامی نگاشته شده است. دومین ویژگی این آثار، طرح نظر جدید، یا روش بدیع و یا عرضه نوینی از آنهاست که غالباً نقد آراء مرسوم و کهن را نیز به همراه داشته است.

تالیفات این استاد گرانقدر عبارتند از:

التمهید فی علوم القرآن (شش مجلد)

صیانة القرآن من التحریف

تلخیص التمهید (جلد اول)

التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب (دو مجلد)

شبهات و ردود حول القرآن

التفسیر الأثری الجامع (جلد اول)

علوم قرآنی

تاریخ قرآن

علوم قرآن

آموزش علوم قرآنی

تناسخ الأرواح

ولاية الفقيه أبعادها و حدودها

ولاية فقيه

جامعة مدنی (مجموعه مقالات)

مالکية الأرض

احکام شرعی (رسالة عملی)

تمهید القواعد

حدیث لاتعاد، حدیث من زاد فی صلاته

از خداوند منان، طول عمر و استمرار برکات علمی ایشان را خواستاریم. در بررسی این مقوله و سایر مقولات هنری، گام‌های دیگری نیز با کمک دیگر دوستان در گروه پژوهشی فقه دفتر تبلیغات اسلامی خراسان برداشته شده، که امیدوارم به زودی توفیق تنظیم نهایی و نشر آنها دست دهد. امید است همه این تلاش‌ها مورد رضایت حق تعالی و استفاده خوانندگان ارجمند قرار گیرد.

مجتبی الهی خراسانی

حوزه علمیه مشهد

بهمن ۱۳۷۹

مقدمه*

این تلاش ناچیز، در بررسی فقهی غنا، که پیش روی خواننده گرامی است، ابتدا پاسخ مختصر به سؤال یکی از بزرگواران، و در بردارنده اقوال فقهی درباره غنا بود. بعدها وی جهت نشر و تعمیم فایده، مراجعه و بازنگری آن پاسخ را از من درخواست کرد، و من نیز اجابت کردم. بدین جهت این بررسی - که امیدوارم در سطح مطلوب باشد و خوانندگان گرامی از آن بهره برند - در صدد فهم نظری این بحث است، و امر تطبیق را به خود آنها وانهاده است، زیرا این امر، یک تکلیف شرعی شخصی است که در آن فقیه بر اساس اجتهاد خویش و مقلد بر حسب تقلید خود عمل می کند؛ و البته آن که راه احتیاط بپیماید از صراط نخواهد لغزید. امید است در آنچه تقدیم داشته ام توفیق یافته باشم، إنه تعالی ولی التوفیق و هو الغایة.

*. مطالب مقدمه، از انتهای قسمت «غنا در اندیشه و آثار فقها» به این جا منتقل شده است.

غنا در اندیشه و آثار فقها

غنا از جمله موضوعاتی است که فقهای مسلمان به صورت مستقل به بررسی آن پرداخته‌اند. هم‌چنین بر این اساس که غنا از جمله افعال حرام بوده، کسب درآمد از فعل حرام، حرام است، آن را در مؤلفات فقهی عام خود، به صورت غیر مستقل زیر عنوان «المکاسب المحرّمة» (درآمدهای حرام) - که معمولاً آن را در آغاز «کتاب التجارة» قرار می‌دهند - آورده‌اند. سپس از این نقطه، به سراغ بحث درباره غنا به عنوان فعلی از افعال مکلف، و نیز بحث از حکم شنیدن، یادگیری و آموزش آن، شرکت در مجالس غنا، کسب درآمد مردان و زنان از راه غنا، خرید و فروش کنیزکان آوازه‌خوان، ساخت آلات طرب که همراه غنا به کار می‌روند، خرید، فروش و استفاده از آنها و ... رفته‌اند.

شماری از آنچه در این باره، مستقلاً نگاشته شده عبارت است از:

۱. رسالة في الغناء موضوعاً و حکماً؛ میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی (متوفای

۱۲۳۱ق)، چاپ شده در آخر کتاب الغنائم به سال ۱۳۲۷ق.

۲. رسالة في الغناء وعظیم ائمه: ملا اسماعیل بن محمد حسین مازندرانی

اصفهان‌ی خواجویی (متوفای ۱۱۷۳ق).

۳. رساله في الغناء؛ ملا محمد باقر سنبر و آری (متوفای ۱۰۹۰ ق).
۴. رساله في الغناء؛ سید محمود خوانساری.
۵. رساله في الغناء؛ محمد رسول کاشانی.
۶. رساله في الغناء؛ آقارضا اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق).
۷. رساله في الغناء؛ میرزا عبدالرزاق بن علیرضا قزوینی اصفهانی معروف به واعظ حائری.
۸. رساله في الغناء؛ آقامحمد علی کرمانشاهی (متوفای ۱۲۶۹ ق).
۹. رساله في الغناء؛ ملا نظر علی طالقانی تهرانی (متوفای ۱۳۰۶ هـ. ق) چاپ شده، به همراه کتاب وی: مناط الأحكام.
۱۰. رساله في الغناء و تحلیله؛ محقق فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق).
۱۱. رساله في الغناء؛ شیخ محمد هادی تهرانی (متوفای ۱۳۲۱ ق) که آغاز آن چنین است:

«بسم الله و له الحمد... الصوت: قال الرئيس: إنه كيفية تحدث من

تموج الهواء المنضغط بين قارع و مقروع...»

با نام و ستایش خدا... صوت: ابن سینا گفته است: آن کیفیت است که از

حرکت هوای تحت فشار میان یک نوازنده و نواخته شده

پدید می آید....

وی در این رساله، قول محدث فیض در تجویز غنا را اختیار کرده است.

۱۲. ایقاظ النائین و إیعاظ الجاهلین؛ سید محمد ماجد بن ابراهیم حسینی.

آغاز آن چنین است:

«الحمد لله رب العالمین... هذه رسالة ألفتها في تحقيق حال الغناء

پیشینه غنا

آشنایی انسان با غنا به دوره‌های ماقبل تاریخ باز می‌گردد، زیرا بشر از همان ابتدا، آن را به صورت وسیله‌ای برای بیان پدیده‌های درونی خود از قبیل شادی و اندوه، خوشی و ناراحتی، و بروز حالت‌هایی مانند دوستی، نفرت، رضایت و خشم به کار می‌برده است.

در آغاز، غنا سخنی منظوم بود که سواره با خواندن آن قافله‌اش را به پیش می‌راند، پیاده هنگام پیمودن مسیرهای طولانی بدان ترنم می‌کرد، کشاورز هنگام شخم یا بذرافشانی و یا وقت آبیاری یا درو، با آن سرگرم می‌شد، چوپان در حال راندن گله‌اش به طرف چراگاه آن را زمزمه می‌کرد، دلدادگان زیر نور ماه بدان با یکدیگر به نجوا می‌نشستند، شب‌زنده‌داران شب‌دراز را با آن به سر می‌بردند. بستگان و دوستان در جشن‌های عروسی آن را می‌سرودند، در خوش آمدگویی بزرگان، خوانده می‌شد، و وقتی وظیفه اجتماعی ایجاب می‌کرد در مجالس بزرگداشت آنان، زمزمه می‌شد.

در آن روزگاران، بشر در تعامل خود با آن، میان بخش تفریحی زندگی و بخش جدی آن، یا سختی زندگی و راحتی آن تفاوت نمی‌گذاشت.

هنگامی که حکومت‌ها به وجود آمدند، تمدن‌ها شهرنشین شدند و پادشاهان و فرمانروایان، غرق در جلوه‌ها و سرگرمی‌های دنیا و ناز و نعمت شدند، خانه‌های مخصوصی برای غنا ترتیب دادند که به اماکن غنا (Singing Houses) معروف شد. در سرسرای کاخ‌ها، سالن‌های نمایش و میدان‌های بازی، مجالس سرگرمی برای غنا برقرار شد؛ چندان که زندگی را به دنیایی از خوش‌گذرانی تبدیل می‌کرد و انسان را از حالت جدی و متعادل زندگی جدا می‌ساخت و وقت گرانبهای او را از امور مفید و سودمند باز می‌داشت.

در این هنگام، غنا به ابزاری برای کسب درآمد مبدل گشت، و به این ترتیب، خرید و فروش کنیزکان آوازه‌خوان یک تجارت پرسود شد و خوانندگان از جمله پردرآمدترین افراد شدند.

با پیشرفت غنا جلوه‌های آن به شکل‌های زیر بروز یافت:

- غنا برای تفریح که هدف از آن تنها راحتی و آرامش روان بود؛

- غنا برای خوش‌گذرانی و کسب مال؛

- اماکن غنا که از طرفی برای خوش‌گذرانی و از طرف دیگر برای کسب

درآمد ترتیب یافته بود؛

- مجالس غنا که به سبب خوش‌گذرانی و سرگرمی برگزار می‌شد.

لازم است این مظاهر را به یاد داشته باشیم، چون هنگام بررسی ادله غنا در

فقه، بدان‌ها باز خواهیم گشت.

مورخان، حوادث زیادی از دنیای لهو و عالم غنا ثبت کرده‌اند؛ خصوصاً

در دوره‌های امویان و عباسیان، یعنی عصر تبادل احادیث شرعی که درباره